

تحلیلی بر نگاه فقه به محیط زیست / جایگاه حوزه علمیه در مسیر حراست از منابع طبیعی چیست؟

*حجت‌الاسلام عزیزالله فهیمی

عضو هیأت علمی دانشگاه قم با اشاره به اهمیت حراست از محیط زیست گفت: بعد از این که فقه شیعه از انزوا بیرون آمد باید برای مردم زمینه ها و موقعیت رسیدن به این آرامش را فراهم کرد و محیط زیست سالم را به زندگی‌های شهری ارائه داد.

به گزارش **بلاغ** به نقل از رسا، رهبر انقلاب اسلامی، هفده اسفند 93 در دیدار مسؤولان و فعالان محیط زیست، منابع طبیعی و فضای سبز کشور به مسائل کلیدی حراست از محیط زیست اشاره کردند که تبیین آن مسائل می تواند کشور را در عرصه سلامت محیطی یاری دهد.

رهبر معظم انقلاب، محیط زیست را مظهر الطاف الهی برشمردند و بر زیبا بودن همه جای زمین، جنگل یا کویر اشاره کرده و فرمودند «بدترین آدم ها، «حرث» یعنی کشاورزی و «نسل» یعنی فرزندان را آلوده می کنند چنان که در آیه 205 سوره بقره «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرثُ وَ النَّسْلُ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» به این مطلب اشاره شده است.

ما باید در زمینه محافظت از طبیعت، فرهنگ سازی کنیم تا مردم نسبت به محیط زیست حساس شوند و بدون تابلو در این راستا گام بردارند از این رو از نظر قانونی باید دست اندازی به محیط زیست جرم تلقی شود و از سوی دستگاه قضایی، مجرمان تعقیب شوند زیرا حفظ محیط زیست یک مسأله حاکمیتی است و هر اقدامی باید پیوست زیست محیطی داشته باشد و برای طبیعت و محیط زیست، سند ملی تهیه شود تا به عنوان اسناد ملی و اموال عمومی محفوظ بماند.

هرگونه استفاده از اموال عمومی طبق فتوای امام خمینی(ره) و اصل 45 قانون اساسی باید با اجازه دولت باشد بنابراین کسانی که جنگل را تخریب می کنند و کوه خواری می کنند، به اسراف و امر حرام مبادرت ورزیده اند که این تخریب ها آثار وضعی دارد یعنی کسانی که اقدام به تخریب کرده اند ضامن بوده و باید خسارت بدهند.

اختلاف اساسی دیدگاه اسلام با مسیحیت در مورد محیط زیست این است که غرب و مدعیان مسیحیت، طبیعت را دشمن انسان می دانند که انسان با قهر و غلبه باید بر آن پیروز شود که برای مطالعه بیشتر می توان به کتاب «انسان و طبیعت نوشته سید حسین نصر مراجعه کرد؛ اما اسلام از ابتدا با دید محبت به محیط زیست می نگرد چنان که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) برای طبیعت شأن مادری قائل شدند که انسان ها نباید با آن بد رفتاری داشته باشند.

در حال حاضر غرب با ابزار رسانه ای اش این مطلب را به دنیا القا می کند که مسلمانان به محیط زیست توجه ندارند اما مسیحیت به عنوان دین آشتی و سبز به این مسأله ارج می نهد و طرفدار محیط زیست است چنان که کشیشان از این شیوه

زیاد استفاده می کنند؛ در همین زمینه گفتگوی تفصیلی داشته ایم با **حجت الاسلام عزیز الله فهیمی**، استاد درس خارج حوزه علمیه قم و عضو هیأت علمی دانشگاه قم که تقدیم خوانندگان می شود.

با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب درباره ضرورت حفظ محیط زیست درباره راهکار های آن بیشتر توضیح دهید؟

هر دوره و زمانی اقتضائات خاص خود را دارد، روزگاری در تابستان، یخچال و وسایل سرمایشی نبود و مردم در شهر های کویری همچون یزد، میبد و قم، یخچال های طبیعی درست می کردند؛ شهر قم دو یخچال داشت؛ یکی از آن ها نزدیک بیت امام(ره) است که به یخچال قاضی شهرت دارد و دیگری در میدان امام(ره) که به یخچال تولید دارو معروف است؛ مردم در زمستان در آنجا یخ می ریختند و در تابستان از آن استفاده می کردند.

آب انبار کامکار و شاه قلی خان که برای برداشتن آب باید حدود صد و بیست پله به زیر زمین رفت؛ در یزد حدود هشتاد و هشت کیلومتر تا قنات فاصله بود و حدود بیست متر زیر زمین تونل کشیده شده است تا آب به آب انبار برسد از این رو مسأله قنات کندن و معنی در آنجا بسیار مطرح بوده است اما اکنون هیچ کاربردی ندارد زیرا یخچال های برقی و موتور هایی که آب را با فشار به سطح زمین می رساند، جایگزین آب انبار و قنات شده است.

مسأله محیط زیست نیز از اموری است که در حال حاضر باید به آن توجه شود؛ مرحوم شهید بهشتی پس از پیروزی انقلاب، به مدرسه فیضیه آمدند و در جمع طلاب گفتند «تا به حال شعار اصلی این بود که «حی علی الصلاة» اما اکنون ما به دنبال «حی علی القضا» هستیم؛ یعنی با تثبیت نظام، مسأله قضاوت را دریابید زیرا اقتضای زمانه این است.

قضاتی که وابسته به نظام طاغوت بوده اند و حتی قضاتی که آلودگی نداشتند، به منابع اسلامی آشنا نبودند و قضاوت آن ها طبق کتاب «تحریر الوسيله امام خمینی(ره) و فقه جواهر الکلام مرحوم نجفی» نبود، بنابراین وجود روحانیت در دادگاه ها و دادگستری ها لازم و ضروری بود؛ امروز نیز عرض می کنم به دنبال سخنان رهبر معظم انقلاب باشیم که دستور «حی علی محیط زیست» را صادر فرمودند.

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی 93/12/17، در جمع مسؤولان وزارتخانه ها، تأکید داشتند؛ از جمله چیز هایی که مغفول مانده، بحث محیط زیست است و باید مورد توجه قرار بگیرد؛ نکات محوری سخنان ایشان عبارت است از فرهنگ سازی مسأله محیط زیست و حاکمیتی بودن بحث محیط زیست.

به طور مثال در قدیم، افرادی مواد مخدر را در زمین های کشاورزی خود تولید می کردند و به مصرف می رساندند که در آن زمان مسأله خصوصی بود اما بعد ها مواد مخدر جنبه حاکمیتی پیدا کرد زیرا عده ای واسطه شدند تا جوان ها را معتاد و فاسد کنند؛ از این رو دولت وارد عمل شد و در زمینه مواد مخدر قانون گذاری کرد و نبض کار را در دست گرفت؛ یا در زمان جنگ که عده ای کوپن را قاچاق می کردند و دولت در این زمینه نیز قانون گذاری کرد.

رهبر معظم انقلاب فرمودند «هر تصمیمی که در کشور گرفته می شود باید با مسؤولان محیط زیست همراه و همکار شود» یعنی اگر فردی خواست ساختمان بیست طبقه بسازد، باید از محیط زیست اجازه بگیرد که ترکیب شهر به هم نریزد یعنی پیوست محیط زیستی در کارها وجود داشته باشد.

از دیگر نکات محوری سخنان رهبری این بود که باید جرم انگاری شود؛ یعنی اگر فردی درختی را قطع کند، به ریه یک شهر آسیب می زند؛ وقتی قطع درخت جرم محسوب شود، هیچ فردی نمی تواند حتی درخت خانه خود را قطع کند.

ایشان فرمودند «وضعیت کشور ما به گونه ای شده است که تا دیروز زمین می خوردند اما امروز، کوه خوار، جنگل خوار و دریا خوار شده اند که باید با همه اینها مقابله شود حتی برخی تحت عنوان این که می خواهند مدرسه علمیه بسازند، جنگلها را خراب می کنند، این ریه شهر حتی با مدرسه علمیه نیز نباید لطمه بخورد».

همچنین فرمودند «آب سرمایه زندگی مردم است و 90 درصد آب های کشور ما در کشاورزی استفاده می شود»؛ می توانیم با روش های نوین کشاورزی همچون آبیاری قطره ای به نحو بهینه از آب استفاده کنیم اما درحال حاضر پنجاه درصد آب ها هدر می رود و 10 درصد آب های شیرین کشور، برای آب شرب مردم و کارخانه های صنعتی مصرف می شود که می توان این موازنه را عوض کرد.

ریزگرد ها از مسائل دیگری است که رهبر معظم انقلاب به آن پرداختند؛ هشتاد درصد درخت های بلوط استان ایلام به وسیله ریزگرد ها از بین رفته است؛ با این وجود ریزگرد ها فقط مسأله عراق، ایران، عربستان و سوریه نیست بلکه به همه کشورها آسیب می زند.

بنابراین برای حل مسأله ریزگرد ها باید همت جهانی وجود داشته باشد یعنی به صورت جهانی فکر شود زیرا بشر تنها یک محیط زیست دارد و هیچ کشوری نمی تواند زمین، درخت و جنگل بخرد، بلکه باید از آن ها به خوبی مراقبت و استفاده کند.

رهبری به آب شدن یخ های قطب جنوب و شمال اشاره کردند؛ زمانی که یخ ها کنده می شوند کوهی از یخ در دریا راه می افتد و با برخورد به کشتی ها، خسارت زیادی وارد می کند؛ وقتی یخ ها آب می شوند، موازنه زمین نسبت به زلزله و سیل از بین می رود؛ کوه ها فرسایش می یابند و ارتفاع آن ها کم می شود.

در حال حاضر کوه ها را همچون قارچ برش می زنند و پایین می آورند؛ قرآن کریم می فرماید «ما کوه ها را همانند میخ های زمین قرار دادیم» وقتی انسان این موازنه را به هم می زند، زلزله بیشتر می شود و ترکیب آتشفشان به هم می خورد.

نکته دیگری که رهبری فرمودند این است که همه منابع طبیعی زیبا است؛ کویر و جنگل قشنگ است؛ زمین متعلق به همه نسل ها است و به «خلق لکم ما فی الارض جمیعا» استناد کردند.

با قطع بی رویه درختان، در آینده باید به فرزندان خود عکس طبیعت را نشان دهیم و یا سنگی را در میدان شهر بگذاریم و بگوییم زمانی سنگ نیز در دنیا بوده است؛ هر زیبایی که در طبیعت از بین می رود، از جمله آبشارها و رودها متعلق به همه افراد جامعه است؛ زیرا افزون بر موارد دیگر، منبع درآمدی برای کشور هستند.

به گفته رهبری، فرهنگ سازی درباره محیط زیست باید به گونه ای باشد که مسؤولان تابلو را بزنند و مردم خودشان حرکت کنند یعنی اهمیت مسأله را درک کنند؛ به طور مثال خطرات نازک شدن لایه اُزون و گازهای گلخانه ای که در هوا منتشر می شود را به مردم هشدار بدهند؛ چنان که در شهری همچون تبریز در اثر این مسأله بسیاری از درختان سوخته است.

با توجه به این که فرهنگ سازی در زمینه حفظ محیط زیست از دغدغه های رهبر معظم انقلاب است، چگونه می توان در این زمینه فرهنگ سازی کرد؟

فرهنگ سازی به معنای این که برای مردم نسبت به محیط زیست حساس باشند؛ زیرا انسانی که بدنش به آب و غذا نیازمند است؛ اگر در آینده هوایی برای تنفس نداشته باشد، آب و غذا برای او فایده ای نخواهد داشت، همان گونه که در حال حاضر در کشور چین بر اثر کثرت جمعیت، در کنار خیابان ها پمپ های هوا گذاشته اند.

به دلیل مرغوبیت خاک کشورمان در جنوب، خاک کشور را می دزدند و برای کشورهای امارات و عربستان می برند.

علما در گذشته برای مردم جا انداخته بودند که نان برکت خدا است و اگر فردی تکه نانی را می دید می بوسید و در کناری می گذاشت تا زیر پا نماند و به این صورت، فرهنگ سازی صورت گرفته بود.

باید به گونه ای فرهنگ سازی درباره محیط زیست صورت بگیرد که یک درخت برابر یک فرزند در زندگی انسان ارزش پیدا کند چنان که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند «بعد از مرگ شما یا فرزندی باشد که به دیگران خدمت کند یا درختی که دیگران از سایه آن استفاده کنند یا پلی ساخته باشید که مردم از روی آن عبور کنند یا قرآنی نوشته باشید که مردم آن را تلاوت کنند» و اگر این گونه فرهنگ سازی شود هیچ فردی به خودش اجازه نمی دهد که به درختان آسیب بزند.

برخی قوانین محیط زیست باید تغییر پیدا کند؛ به طور مثال در زمان سابق اگر فردی با ماشین پای فردی را می شکست، آن فردی که پایش شکسته بود، باید در دادگاه اثبات می کرد که طرف مقابل، سرعتش زیاد بوده است، اما در مراحل بعد قانون گذاری صورت گرفت و طبق این قانون، مبنای مطلق در نظر گرفته شد و در تمام موارد، فرد راننده مسؤول و مقصر شناخته شد؛ مگر این که از آسمان سنگ و یا صاعقه ای بیاید و به شیشه برخورد کند و تعادل راننده به هم بخورد که به آن آفت سماوی می گویند اما با این قانون، راننده ها با احتیاط بیشتری رانندگی می کنند.

در بحث محیط زیست، بسیاری از پرونده ها شکست می خورد؛ گاهی فاضلاب کارخانه را به درون رودخانه رها می کنند و سبب می شود که هزاران ماهی از بین برود و بعد صاحب کارخانه می گوید «پمپ محل فاضلاب، سوراخ شده و مقصر ما نبوده ایم» و در نهایت 10 هزار تومان جریمه می شود.

آیا تاکنون قوانینی برای جلوگیری از قطع درختان در ایران وضع شده است؟

بله، در زمان آیت الله شاهرودی، یک نفر را پانصد هزار تومان برای قطع درخت خانه خودش جریمه کردند؛ خانم ابتکار و پدرش در زمینه وضع قوانین محیط زیست زحمت کشیده اند؛ برای تصویب اصل پنجاه، قانون اساسی، پدر خانم ابتکار که به پدر محیط زیست ایران شهرت داشت، بسیار تلاش کرد و با مراجع تقلید و مجلس خبرگان صحبت کرد تا این مطلب را جا انداخت که محیط زیست، سرمایه عمومی است و اگر فردی دست اندازی کند باید جلوی او را بگیرند و محیط زیست، متعلق به همه عصرها و نسلها است.

به طور مثال، شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» در دهه هفتاد در هر خیابانی تابلو شده بود و این مسأله به فرهنگ عمومی تبدیل شد به گونه ای که اکنون حتی خانواده های مذهبی با داشتن فرزند بیشتر کنار نمی آیند.

آنقدر روی ذهن و فکر مردم برای فرزند کمتر کار کردند که الان معلوم می شود سودش را اسرائیل برده است، زیرا جمعیت پیر، کاری نمی تواند انجام بدهد؛ غرب احساس وحشت کرده است که جمعیت مسلمانان تا بیست سال آینده، بسیار زیاد خواهد بود، از این رو مسلمانان در دنیا می توانند بسیاری از امور را در دست بگیرند که برای غرب خطرناک است.

باید نسبت به کودکان خود، فرهنگ سازی کنیم که گل را نچینند و به گیاهان و درختان آسیب نرسانند.

مسأله محیط زیست به حربه تبلیغاتی مسیحیت علیه اسلام تبدیل شده است؛ دیدگاه اسلام را درباره حفظ محیط زیست توضیح دهید؟

ما درباره محیط زیست با غرب، اختلاف مبنایی داریم؛ نگاه غرب، منشعب از دیدگاه مسیحیان البته مسیحیت تحریف شده و کلیسا است؛ در گذشته اکثر مردم نگاهشان به زمین کشاورزی و محیط زیست بود و از درخت و مزرعه روزی می طلبیدند؛ اما بعد ها برای این که با موحد بودن و اعتقاد به طلب روزی از خدا، مقابله کنند؛ مظاهر طبیعت را شیطان و ابزار غفلت نامیدند که انسان را منحرف می کند و آدم خوب را فردی قلمداد کردند که بر این مظاهر غلبه کند و چیره شود که این نگاه تا قرن چهارده نیز حاکم بود.

سید حسین نصر، کتابی به نام طبیعت و انسان دارد که در این کتاب به صورت موشکافانه، کلمات دانشمندان از مارکس، فروید و هابز را بررسی می کند و تحلیل همه آن ها بر این است که انسان دشمن طبیعت است و طبیعت، دشمن انسان است و انسان باید بر طبیعت غلبه کند و آن را از بین ببرد.

اما دیدگاه اسلام از ابتدا برخلاف این بوده است چنان که قرآن کریم می فرماید «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» خداوند، زمین را در اختیار شما قرار داده است که دشمن شما نیست و حضرت علی (علیه السلام) فرمودند «در روز قیامت، از شما درباره گوسفندان و چهارپایان و همچنین درباره رفتار با گل ها و گیاهان سؤال می کنند».

آیت الله جوادی آملی در کتاب «اسلام و محیط زیست» این مطالب را به خوبی پرورش داده اند مبنی بر این که افرادی هستند که گوش گاو را می برند یا پایش را داغ می زدند که مشخص باشد که قرآن در این باره می فرماید «آن ها خلقت الهی را تغییر می دهند»؛ اسلام از این افراد به عنوان آدم های بد و «اخوان الشیاطین» یاد می کند، بنابراین، اختلاف مبنایی میان اسلام و غرب وجود داشته است.

در مقابل دیدگاه غربی و رومی، دیدگاه یونانی بود که می گفتند طبیعت دشمن انسان نیست و به دیدگاه اسلامی نزدیک بود؛ دیدگاه رومی از کتاب های انجیل و تورات آیه هایی را آوردند که می گفت «بکوبید و بسوزانید که طبیعت دشمن شما است» اما پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) قبل از هر جنگی می فرمودند «اگر بر دشمن غلبه کردید و پیروز شدید، درختان آن ها را نسوزانید، در آب های آن ها سم نریزید و مزارعشان را خراب نکنید» یا زمانی که میوه ای را برای حضرت می آوردند، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را می بوسیدند، بر چشمانشان می گذاشتند و می فرمودند «این نعمت و تحفه الهی است».

در این اواخر، کشیشان هنگامی که دیدند مردمشان بر خراب کردن منابع طبیعی حساس شده اند، سوار بر موج شدند و گفتند ما نیز طرفدار محیط زیست و جزء نهضت سبز هستیم تا جایی پیش رفتند که گفتند نباید گوسفند را ذبح کنید؛ زیرا این تصرف در طبیعت محسوب می شود یا این که باید گوسفند را بی هوش کنید.

از صد عضو شورای مرکزی کلیسا های فرانسه، 90 عضو شان رأی دادند که ازدواج هم جنس بازان در کلیسا برگزار می شود زیرا آن ها تابع نظر اکثریت هستند و به مسأله انسان محوری توجه دارند؛ معتقدند انسان قطب همه چیز است و هر چیزی برای انسان است اما خداوند متعال می فرماید «انا لله و انا الیه راجعون»؛ همه عالم از خدا است و به خالق هستی نیز بر می گردد.

رهبر معظم انقلاب به سوره الرحمن آیه 10 استناد کردند؛ که می فرماید «خداوند زمین را برای استفاده شما قرار داده است»؛ و آیه 29 سوره بقره که می فرماید «خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً»؛ آیه 61 سوره هود که خداوند از انسان می خواهد تا زمین را آباد کند نه این که نابود کند و آیه 205 سوره بقره که بدترین انسان ها را افرادی معرفی می کند که محیط زیست را تخریب می کنند.

غرب از محیط زیست به عنوان حربه تبلیغی در کشور های آفریقایی استفاده می کند و می گوید «ما به دنبال سبزی، نشاط، تازگی و طراوت هستیم اما مسلمانان به دنبال کشتار و قتل هستند».

ما باید در بعد رسانه ای تبلیغ کنیم که اسلام همه اش زیبایی است؛ بنابراین اگر روی محیط زیست کار کنیم و این بعد اسلام را به دنیا معرفی کنیم، اقدام تبلیغی کرده ایم و این وظیفه طلاب است.

جبهه ما در حال حاضر، همین جبهه ریزگرد ها، دشمنی ها و شیطنت های غرب است و نباید بدهکار نسل آینده باشیم بلکه باید اطلاع رسانی صحیحی در این زمینه صورت بگیرد.

با توجه به این که اسراف کردن و استفاده سوء از انفال در مبانی دینی حرام است، در این زمینه نیز توضیح دهید؟

در خصوص انفال، در اصل 45 قانون اساسی آمده است که «کوه ها، دره ها، جنگل ها، رودخانه ها و حاشیه رودها متعلق به عموم مردم است و باید دولت، آن ها را به نحو صحیح مدیریت کند».

امام خمینی(ره) در نامه ای که به مرحوم آیت الله محمد حسن غدیری داشتند؛ فرمودند «شما فکر می کنید، آدم باید این اندازه نادان باشد که فلانی با ماشین های کذایی صد هزار متر زمین را بگیرد و به دیگری یک متر زمین نیز نرسد».

دانشگاه بهشتی در دامنه کوه ساخته شده و قرار بوده است که تا بالای کوه باز باشد تا دانشجویان بتوانند گردش و استراحتی داشته باشند؛ انقلاب که شد؛ عده ای زمین خوار، کوه ها را تقسیم کردند و فروختند و این که رهبری به کوه خواری اشاره کردند، بسیار جدی باید به آن پرداخته شود.

با توصیفات شما، قصه محیط زیست بسیار قصه غم انگیزی است؛ با توجه به این که رسانه ما رسانه مرجع حوزه است و توسط مراجع عظام رصد می شود؛ سوآلی که به ذهن می رسد این است که چرا در جامعه ما مسأله محیط زیست، حفظ طبیعت و احترام به حقوق حیوانات، تا این اندازه بی اهمیت بوده است؛ اگر بخواهیم صریح بگوییم؛ به اندازه ای که برای یک واجبی، تبلیغات و تذکر می بینیم حتی در میان روحانیت؛ درباه این بحث اقدام جدی مشاهده نمی کنیم و این بحث به نوعی مغفول واقع شده است؛ آیا این بحث مبنای جامعه شناختی دارد یا این که از اولویت کمتری برخوردار است؟

یک بعد آن این است که مسائل مهم تری همچون ارتزاق مردم مطرح بوده است به عنوان مثال اگر در گذشته یک اتاقی را در اختیار جوانی قرار می دادند، ازدواج می کرد اما اکنون، اگر یک سوئیت کامل برای جوان ایرانی تهیه نشود، زیر بار ازدواج نمی رود زیرا توقعات بالا رفته است.

در اسلام بر حفظ محیط زیست، تأکید بسیاری شده است تا جایی که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) درباره پیرزنی که سب مرگ گربه ای شده بود؛ فرمودند «این زن هیچ گاه به بهشت نمی رود»؛ همچنین امام صادق(علیه السلام) فرمودند «اگر فردی برای شکار و سیر کردن فرزندان مسافرت کند، نمازش شکسته است اما اگر به قصد شکار مسافرت کند و شکار او برای تفریح باشد، نمازش کامل است زیرا سفرش، سفر گناه است».

حضرت علی(علیه السلام) در راه جنگ صفین از روستایی عبور کردند که فاضلاب ها در کوچه ها روان بود، جوان های عیاش و مزاحم مردم بودند و پنجره های خانه ها به گونه ای کوتاه ساخته شده بود که کل خانه دید داشت؛ حضرت فرمودند «از جنگ که برگشتم باید سه کار را انجام داده باشید، نخست پنجره های خانه ها را بالاتر ببرید تا منازلتان محفوظ باشد؛ دوم، فاضلاب ها را کنترل کنید و سوم، جوان ها به دنبال کار بروند».

در اوایل انقلاب که هنوز اصل نظام مستقر نشده بود، در خیابان های تهران، تعداد شراب فروشی ها از کتاب فروشی ها بیشتر بود و به تدریج که نظام تثبیت شد و شراب فروشی ها و کواره ها جمع شد، نوبت به آن رسید که به برخی مطالب زمین مانده بپردازد و مسأله محیط زیست نیز از آن جمله بود.

قبل از اعزام محرم و ماه رمضان، کتابچه ها و بسته های محیط زیستی به طلاب می دهند که پرداختن به این مسأله در منبر ها، از برنامه های تبلیغی طلاب باشد و به مردم اطلاع رسانی شود تا اهمیت محیط زیست برای مردم روشن شود.

در کتاب «مستر همفر» آمده است که ما باید کاری کنیم که مسلمانان، غرب را الگوی خود بدانند و از وجود روایاتی همچون «النظافه من الایمان» در اسلام، غافل باشند تا کثیف و فقیر باقی بمانند و وقتی به ما نگاه می کنند؛ بگویند غربی ها چقدر موفق هستند که اگر آن ها بدانند دین اسلام برای همه ارکان زندگی شان برنامه دارد و دین کاملی است دیگر از ما تبعیت نخواهند کرد.

می گویند، امام باید مبسوط البید باشد و بتواند افراد و امکاناتی داشته باشد که احکام را اجرا کند؛ در دوره رضاخان که آخوند از مسیر خانه تا مسجد امنیت نداشت و زمانی که ربا خواری و فحشاء و شراب خواری بود؛ آیا امام می توانست از محیط زیست حرف بزند، بنابراین نمی توان گفت که به مسأله محیط زیست توجه نمی شده است.

در طول بیش از 1400 سال، جنبه های خصوصی اسلام در زندگی مردم مانده است؛ از این رو فقه خصوصی و خانواده بسیار گسترش یافته و خوب کار شده است اما اهل سنت که حکومت عثمانی را پانصد سال اداره کردند.

در کتاب «المجله» آمده است که اهل سنت با این تجربه برای اداره جامعه، قانون نوشتند و از ریزترین مسائل همچون قصاب و خیاط در کتابشان موجود است که مرحوم کاشف الغطاء نیز بر این کتاب حاشیه زده و در اختیار شیعه قرار داده است.

آن ها به طور عملی حکومت کردند اما شیعیان تا آن زمان حکومت نداشتند و فقه شیعه، فقط به حوزه خانواده ها محدود شد و دولت ها کاری به آن نداشتند اما مسائل عمومی همچون محیط زیست که رهبری آن را حاکمیتی می دادند در حال حاضر باید ساز و کار بهتری داشته باشد و افراد، امکانات و دادگاهی برای محاکمه مجرمان داشته باشد.

مردم ایرانی بسیار خوش ذوق بودند و هرکسی در خانه خود حداقل یک گلدان می گذاشت و کنار درب خانه ها سنگی می گذاشتند که اگر پیرمرد یا پیرزنی عبور می کرد، کمی در آنجا استراحت کند و این آداب به معنای مردم مداری و احترام به مردم از سوی ایرانیان بود.

حمام لطفعلی خان در کرمان نشان می دهد که مردم ایران چقدر از نظر بهداشتی پیشرفته و جلو بوده اند؛ حجامت که متعلق به مسلمانان است و غربی ها مدتی آن را مسخره می کردند اما الان این شیوه، از روش های پزشکی آن ها است.

بنابراین به مرور زمان با وقوع جنگ ها مسائل مربوط به حفظ محیط زیست را کم اهمیت و بی اهمیت کردند و از طرف دیگر در آن زمان، آسیب به محیط زیست تا این اندازه، فنی و پیچیده نبوده است.

کارخانه های آمریکایی زیر بار پیمان «کیوتو» ژاپن نرفتند زیرا طبق این پیمان، هر کارخانه ای سهمیه تولید گاز «CO2» دارد و نباید از آن تجاوز کند و آمریکا آن را قبول نکرد زیرا خودش بزرگترین تولید کننده گاز های گلخانه ای است.

در گذشته ممکن بود فردی جلوی خانه اش آشغال بریزد اما لایه آزون را سوراخ نمی کرد یا کنار دریا، ماهی های زیادی را صید نمی کرد اما امروزه با رها کردن فاضلاب ها، هزاران ماهی را از بین می برد از این رو توجه به حفظ محیط زیست در عصر حاضر ضروری است و در کنار مبسوط الید بودن امام، تشکیل حکومت و ایجاد قوه قاهره باید از آسیب هایی که به محیط زیست وارد می شود جلوگیری کرد و قوانینی برای برخورد با مجرمان این حوزه، وضع کرد.

من هلند بودم، سفارت خانه ایران در هلند دیواری کوتاه داشت و چون احتمال داشت، منافقان از دیوار سفارت خانه بالا روند و پرچم جمهوری اسلامی ایران را پایین بکشند؛ تصمیم گرفته شد، سیم خاردار بر روی دیوار سفارت کشیده شود؛ اما وقتی خواستند که سیم خاردار بکشند، اهالی محل جمع شدند و گفتند ترکیب محله ما به هم می خورد؛ زیرا هیچ خانه ای سیم خاردار ندارد و محله ما ظاهر زشتی پیدا می کند.

در آنجا از هر خیابانی که عبور می کنید، از پنجره ها و تراس های خانه ها فقط گل آویزان است اما متأسفانه در قسمت مسلمان نشین که می روید، اوضاع به هم ریخته است و جالب نیست.

عملکرد حوزه علمیه را در حفظ محیط زیست چگونه ارزیابی می کنید آیا راضی کننده هست یا خیر؟

عملکرد حوزه در این مقوله بسیار ضعیف بوده است و هیچ نمره قبولی را نمی گیرد؛ به صورت مثال؛ ما در سر سفره، نان، برنج، خورشت و آب می خواهیم و اگر یکی از آن ها نباشد، سفره معطل است؛ در اسلام نیز همه جنبه ها در نظر گرفته شده است به ویژه این که فقه ما از جنبه خصوصی و از انزوای سیاسی درآمده است و می خواهد حکومت داری کند.

در حال حاضر فقه می خواهد به مردم بفهماند که اسلام نیز به نیاز های مردم توجه دارد و پس از جنگ تحمیلی که از آن 35 سال می گذرد باید سریع نسبت به این مسائل سازماندهی کنیم و باید عهده دار آن باشیم؛ نه این که عده ای به واسطه دانستن زبان های انگلیسی و فرانسوی، کتاب هایی را ترجمه کنند و افکار ترجمه ای را منتشر کنند.

بنابراین به دلیل وجود همین خلأ، در زمینه محیط زیست، کتابی به نام «مسئولیت مدنی تخریب محیط زیست» نوشته ام از این رو درباره محیط زیست کوتاهی شده و همان گونه که رهبری فرمودند باید فرهنگ سازی صورت بگیرد.

در «ارگ بم» که بیش از 2500 سال سابقه دارد؛ در بالای کوه، چاهی حفر شده است تا آب را بالا بکشند اما تا زمان رضاخان از آنجا برای ژاندارمری استفاده می کردند و برخی از خاک آن جا برای مصارف کشاورزی می بردند.

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند «خداوند از فردی که پدر و مادرش را فراموش کند، نمی گذرد» و بعد فرمودند «پدر و مادر این امت، من و علی(علیه السلام) هستیم»؛ اگر ما در دنیا ادعا می کنیم که تنب بزرگ و کوچک متعلق به ما است؛ باید سند آن را ارائه کنیم؛ سند زنده بودن پدران ما چیست؟

سند ما این است که آن‌ها توانستند در اوج سختی با زیبایی و هنر، چشم انداز، مدنیت، یخچال‌هایی با عمق چهل متر و مساجدی با معماری علمی ایجاد کنند چنان‌که مسجد نائین در پانصد متری زیرزمین، آنچنان خنک بوده که در وسط تابستان کلاس درس برگزار می‌شده است.

این مسجد به گونه‌ای ساخته شده است که صدای افراد از فاصله صد متری، بدون بلندگو یا فریاد زدن شنیده می‌شود؛ از لحاظ جامعه‌شناسی و هنر نمی‌خواهیم بحث کنیم اما به این نکته توجه می‌کنیم که تمام این آثار به دست انسان‌های زنده پیشرفته، آینده‌نگر و متفکر که چهار قرن جلوتر بوده‌اند، به وجود آمده است.

آیندگان از ما توقع دارند که قدمی برداریم؛ آنچه زمین مانده و راجع به آن کم گذاشته‌ایم، جبران کنیم و به مردم دنیا بگوییم که اسلام، این جنبه‌ها را دارد؛ کشور ترکیه، نفت و گاز ندارد اما از آثار به جا مانده از عثمانی‌ها و صنعت توریستی خود، درآمد هنگفتی به دست می‌آورد.

در جزیره هنگ‌کنگ به اندازه درآمد نفتی کشور ما، رادیو ساخته می‌شود؛ در سنگاپور، سیب زمینی به عمل نمی‌آید و سیب زمینی‌های گندیده کشور ما را می‌خرند، پنجاه نوع کنسانتره از آن می‌گیرند اما کشاورز ما اگر سیب زمینی‌هایش گندیده شود، دور می‌ریزد و سال بعد سیب زمینی می‌کارد و به قیمت بیشتری نسبت به سال گذشته می‌فروشد.

پس مشخص می‌شود که در این ابعاد کوتاهی کرده‌ایم و لازم است به این‌ها نیز بپردازیم؛ به موقع وام دهیم، به موقع حمایت کنیم، برای جوان‌ها اشتغال ایجاد کنیم.

درب‌ها و چیزهای قیمتی ارگ بم را دزدیدند و حتی خاک دیوارهای آن را به دلیل این که سالیان زیادی آفتاب خورده بود به عنوان کود مرغوب پای درختان و مزرعه خود می‌ریختند.

این به معنای بی‌فرهنگی و بی‌توجهی است، پدر و مادر فرهنگی ما این آثار باستانی و محیط زیست است؛ به عنوان مثال در موزه «لورو پاریس»، سم اسبی گذاشته‌اند و می‌گویند این سم اسب حضرت عیسی (علیه السلام) است برای این که جوانشان شک نکند که حضرت عیسی (علیه السلام) را کشیشان به وجود آورده‌اند و وجود خارجی نداشته است.

بی‌فرهنگی و بدفرهنگی در میان مسلمانان بسیار زیاد است؛ عربستان آثار باستانی زیادی را از بین برد و حتی قصد دارند گنبد سبز نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) که عثمانی‌ها ساخته‌اند را در کوچکترین فرصت از بین ببرند و مسلمانان نسبت به این تخریب‌ها بی‌توجه هستند.

با توجه به تأکیدات رهبر معظم انقلاب، نقش دولت و مسؤولان مربوطه را در حراست از محیط زیست و آثار باستانی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امام خمینی (ره) فرمودند «فقه، تئوری اداره انسان از مهد تا لحد است» یعنی باید نیازهای افرادی که تحت حاکمیت اسلامی هستند، برآورده شود؛ یکی از نیازهای آن‌ها این است که در زندگی شهری پردغدغه، ماشینی و شلوغ، حق دارند که چند

دقیقه در کنار ساحل بنشیند و جنگلی دست نخورده و بکر را تجربه کند؛ گمشده بشر امروز، تکنولوژی و آسایش نیست بلکه رسیدن به آرامش است.

بعد از این که فقه شیعه از انزوا بیرون آمد باید برای مردم زمینه ها و موقعیت رسیدن به این آرامش را فراهم کرد و محیط زیست سالم را به زندگی های شهری ارائه داد؛ چنان که در ماده 688 قانون مجازات اسلامی آمده است که اگر فرد یا افرادی، درون منبع آب یک شهر، سم بریزند؛ مجرم هستند.

با وجود تلاش ها و جلساتی که وجود دارد اما طبق سخنان رهبر معظم انقلاب «مشکل مردم به همایش نیست که این همه همایش راه می اندازید باید کار انجام شود» و در صحبت های تاریخ 93/12/17 خود نیز فرمودند «مسئولان شروع به کارشان خوب است اما استمرار و پیگیری ندارند»؛ چنان که در خبر ها می بینیم که کوه را صاف کرده اند و کوبیده اند، رسانه ها این موضوع را به خوبی منتقل می کنند اما مسئولان پیگیری لازم را ندارند.

مسئولان منابع طبیعی، محیط زیست و قوه قضائیه می گذارند زمانی که ساختمان به صورت کامل ساخته شد؛ بعد می گویند که این ساختمان باید خراب شود، دولت در این زمینه و با رشوه خواری هایی که صورت می گیرد باید به شدت برخورد کند و مجازات ها نیز با جرم ها مطابقت داشته باشد یعنی برای بریدن درختان و زمین خواری ها جرائم سنگین وضع شود و قانون متحول شود.

پرونده های زیادی در زمینه عدم تطابق جریمه با جرم وجود دارد؛ از جمله این که آب شرب شهر سمنان با گچ آلوده شد اما مقصر و خاطی این جریان، فقط پنجاه هزار تومان جریمه شد.

فقه حکومتی با فقه خصوصی و انزوایی تفاوت دارد و کتاب های زیادی درباره مسائل خصوصی همانند غسل و احکام نظافت فردی نوشته شده است و رهبر معظم انقلاب در سفری که به قم داشتند، فرمودند «یک نفر بیاید و درس خارج درباره فقه هسته ای یا عزت مسلمانان و نفی سیل را بیان دزد و درس بگوید» وقتی به مسائلی همچون رجم اجاره ای نمی پردازیم نتیجه اش این می شود که ازدواج های سفید راه می افتد.

چنان که رهبر معظم انقلاب، پس از جنگ، مسئولان سپاه را جمع کرده و فرمودند «تا الان جنگ بود اما حالا که در شهر ها هستید، چرا خانواده های خود را به پارک نمی برید و از این فضا استفاده نمی کنید».

مجتهد زمانی می تواند خوب فتوا بدهد و مردم را هدایت کند و همین فتوا ها، موجب قانون شود که موضوع شناسی خوب صورت بگیرد؛ اگر موضوع به خوبی شناخته نشود، فتوایی نیز صادر نخواهد شد.

نظریه ای وجود دارد که اگر یک پروانه در آمازون پر بزند، در ماساچوست آمریکا طوفان می شود، زیرا همه چیز با هم مرتبط است یا نهنگی در اقیانوس اطلس می میرد و ما در اینجا به سختی تنفس می کنیم زیرا نهنگ ها ماهی های گندیده را می خورند و به این ترتیب هوا در اثر مردار ماهی ها، آلوده نمی شود و دی اکسید کربن تولید نمی شود بنابراین حیات آن نهنگ با تنفس ما مرتبط است.

نابود کردن موجودات به محیط زیست آسیب می زند چنان که کفتارها، تمام اشغال ها و کرم ها را می خورند و نقش جمع آوری زباله را برای طبیعت دارند اما در تهران رایج کرده اند که اگر خانمی که با شوهرش مشکل دارد قسمتی از اعضای بدن کفتار ماده را به گردنش آویزان کند محبت شوهرش را جلب می کند و به همین دلیل این بخش از بدن کفتار با قیمت زیادی در حدود پنج میلیون تومان در تهران به فروش می رسد.

منشأ این گونه افکار و خرافه پرستی ها چیزی جز بی فرهنگی نیست و اگر دولت با این مسائل برخورد کند؛ مجرمان و سوء استفاده کنندگان را بگیرد و چند سال زندانی کند، کفتارکشی به راه نمی افتد.